

نمایند و لذا « اقدام اولیه » از سوی یکی از فقها « مشروعیت » و به تبع آن « ولایت » را برای این فقیه به دنبال دارد و فقهای دیگر نیز تحت ولایت او هستند و نباید بر خلاف احکام (حکومتی) وی عمل نمایند و با تشکیل حکومت، دیگر فقها می‌توانند خود را از کار حکومت مبرا بدانند و هیچ‌گونه وجوبی را بر دوش خویش احساس نکنند.

اما در دورانی که حکومت اسلامی شکل گرفته است اگر فقیه حاکم از دنیا برود، دیگر نمی‌توان با ملاک اقدام اولیه فقیه جامع‌الشرایط را شناخت (زیرا اقدام اولیه قبل از آن صورت گرفته است) و ممکن است در این زمان چند فقیه با صدور احکامی خود را به‌عنوان ولی فقیه به مردم معرفی کنند و این امر موجب هرج و مرج می‌گردد. لذا در این مقطع (وجود حکومت اسلامی و فوت ولی فقیه) باید روشی را پذیرفت که از آن طریق فقیه جامع‌الشرایط شناخته شود. روشی که در جمهوری اسلامی ایران پیش‌بینی شده است این است که مطابق قانون اساسی مردم با انتخاب عده‌ای به‌عنوان نمایندگان خود به نام « خبرگان » - که همه از فقها و مجتهدین می‌باشند - کار انتخاب ولی فقیه را به آنان می‌سپارند و آنان یک فرد واجد شرایط رهبری را انتخاب می‌نمایند.

بر این اساس فقیه‌ای که برای رهبری به مردم معرفی شود دارای ولایت نیز هست و فقیه دیگری نمی‌تواند ادعای ولایت کند.

البته توضیح این نکته ضروری است که در هر دو شکل محتوا یکی است و در هر دو مورد مردم با بیعت با فقیه جامع‌الشرایط شرایط اعمال ولایت را برای او مهیا می‌کنند و تنها روش بیعت متفاوت است.

پی نوشت‌ها:

- ۱) وسائل‌الشیعه جلد ۲۷ صفحه ۱۴۰ - بحار‌الأنوار جلد ۲ صفحه ۹۰ و جلد ۵۳ صفحه ۱۸۰ و جلد ۷۵ ص ۳۸۰ - الاحتجاج، ج ۲ ص ۴۶۹ - إعلام‌الوری ص ۴۵۲ - الخرائج‌والجرائح، ج ۳ ص ۱۱۱۳ - الغیبة‌للطوسی ص ۲۹۰ - كشف‌الغمة ج ۲ ص ۵۳۱ - کمال‌الدین ج ۲ ص ۴۸۳ - منتخب‌الأنوار‌المضیئة ص ۱۲۲
- ۲) الکافی ج ۱ ص ۶۷ - تهذیب‌الأحكام ج ۶ ص ۲۱۸ و ص ۳۰۱ - وسائل‌الشیعة ج ۱ ص ۳۴ و ج ۲ ص ۱۳۶ - مستدرک‌الوسائل ج ۱۷ ص ۳۱۱ - عوالی‌اللآلی ج ۴ ص ۱۳۳
- ۳) من‌لایحضره‌الفقیه جلد ۴ صفحه ۴۲۰ - وسائل‌الشیعة ج ۲ ص ۲۷ و ص ۹۱ - مستدرک‌الوسائل ج ۱۷ ص ۲۸۷ - بحار‌الأنوار ج ۲ ص ۱۴۴ و ج ۸۶ ص ۲۲۱ - الأمالی‌للصدوق ص ۱۸۰ - معانی‌الأخبار ص ۳۷۴ - جامع‌الأخبار ص ۱۸۱ - صحیفه‌الرضاع) ص ۵۶ - عیون‌أخبار‌الرضاع) ج ۲ ص ۳۷
- ۴) انعام ۵۷ - یوسف ۴۰ و ۶۷ (۵) مائده ۵۵ (۶) نساء ۵۹
- ۷) کتاب ولایت فقیه (تهیه شده توسط مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه)
- ۸) زمر ۹ (۹) نهج‌البلاغه خطبه ۱۷۳ (۱۰) خطبه ۱۳۱
- ۱۱) الإرشاد مفید ج ۲ ص ۳۹ - بحار‌الأنوار ج ۴ ص ۴۴ ص ۳۳۴
- ۱۲) بحار‌الأنوار ج ۲۸ ص ۱۸۵ - الاحتجاج، ج ۱ ص ۷۴
- ۱۳) امام خمینی، «شوون و اختیارات ولایت فقیه»، ترجمه «مبحث ولایت فقیه از کتاب بیع، امام (ره) ص ۳۵

## بسمه تعالی بحثی کوتاه در مبانی ولایت فقیه

### تعریف

در زبان عربی برای ولایت دو معنا ذکر کرده‌اند: ۱- رهبری و حکومت ۲- سلطنت و چیرگی هنگامی که ولایت در مورد فقیه به کار می‌رود مراد از آن حکومت و زمامداری امور جامعه است. اگر نظام سیاسی اسلام تشریح گردد و مکتب سیاسی آن باز شناسانده شود یکی از مبانی این مکتب ولایت فقیه در عصر امامان معصوم علیهم‌السلام خواهد بود. از دیدگاه شیعه ولایت فقیه در عصر غیبت ادامه ولایت امامان معصوم است همان‌گونه که ولایت امامان در امتداد ولایت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قرار داشت و حاصل آن اعتقاد به این نکته است که در رأس هرم قدرت در جامعه اسلامی باید یک اسلام‌شناس قرار گیرد که اگر معصوم حضور داشت شخص او و اگر نبود فقیه جامع‌الشرایط این مسئولیت را بر عهده خواهد داشت زیرا از دیدگاه اسلام وظیفه‌ی اصلی حکومت بسط ارزش‌ها و احکام الهی در جامعه می‌باشد و برای تحقق این آرمان لازم است در بالاترین مصدر تصمیم‌گیری شخصی آگاه به دین (دین‌شناس) قرار گیرد.

### دلایل اثبات ولایت فقیه

#### الف) دلیل عقلی:

از آن‌جا که انسان موجودی اجتماعی است نیاز دارد تا در کنار دیگر انسان‌ها زندگی کند و تشکیل جامعه بدهد و بدون شک جامعه به قانون و زمامدار (مجری) برای اجرای قانون نیاز دارد و بدون تردید بهترین قانون برای اداره‌ی یک جامعه قرآن کریم و دستورات خداوند می‌باشد زیرا او بهتر از هر کسی به نیازها و مشکلات آفریدگانش آگاه است. از طرفی اجرای قانون و حکومت و زمامداری بر جامعه‌ی اسلامی باید توسط کسی انجام شود که بهترین شناخت را نسبت به این قانون داشته و بهتر از هر کسی بتواند آن را اجرا نماید.

این فرد به یقین خود پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و بعد از او امامان معصوم علیهم‌السلام می‌باشند. اما در زمان غیبت، احکام اجتماعی اسلام تعطیل نیست و برای آن که بتوان این احکام را به نحو مطلوب عمل کرد لازم است تا در زمان غیبت نیز (در صورت وجود شرایط) حکومت اسلامی برپا شود.

عقل حکم می‌کند که بر قله‌ی چنین حکومتی کسی قرار گیرد که به احکام اسلامی آگاهی دارد و می‌تواند زمامدار مردم باشد. اگر معصوم در میان مردم بود عقل او را سزاوار این منصب می‌شمارد ولی در عصر غیبت معصوم، فقیه عادل و قادر بر اداره جامعه لایق این مقام است.

به عبارتی جایگاه ولایت (دقت شود) ثابت است و همیشه باید یک نفر که دارای شرایط لازم است در این جایگاه هدایت و رهبری جامعه را بر عهده بگیرد و آن‌چه تغییر می‌کند افرادی هستند که در این جایگاه قرار می‌گیرند.

۲- ولی فقیه وکیل مردم محسوب می‌شود و حدود ولایت وی بستگی به تعداد طرفداران و خواست مردم دارد و هرگاه مردم او را نخواستند ولایت او ساقط می‌گردد که طبق همان توضیحات قبلی چون ولایتش از جانب امام معصوم است حدود آن نیز توسط معصوم تعیین گردیده است که این حدود در صفحات قبل توضیح داده شد و با خواست یا عدم خواست مردم ولایت او ساقط یا محدود نمی‌گردد.

### ب - نظریه‌ی انتصاب:

طبق این نظریه بر اساس روایات و سیره‌ی اهل بیت علیهم السلام، آنان فقیهان جامع‌الشرایط را ولی امر مسلمین قرار داده‌اند پس فقها بر مردم ولایت پیدا می‌کنند و فقیه فقط با داشتن «صلاحیت و احراز شرایطی که اهل بیت تعیین نموده‌اند» دارای ولایت است و تنها در مرحله عینیت بخشیدن به حکومت و اعمال ولایت به پذیرش مردمی نیاز دارد.

ولی از آنجایی که دخالت همزمان همه‌ی فقها در امور مسلمانان موجب هرج و مرج می‌گردد تشکیل حکومت و اداره‌ی امور مسلمین را واجب کنایی می‌دانند یعنی در صورت انجام آن از سوی یک فقیه، این تکلیف از دیگران ساقط می‌شود.

بر اساس نظریه نصب، رای مردم موجب مشروعیت ولی فقیه نمی‌شود بلکه ولی فقیه از جانب امام معصوم دارای ولایت می‌باشد و مشروعیتش را از امام کسب می‌نماید ولی برای اعمال ولایت نیاز به مقبولیت مردمی دارد و این رای مردم تأثیری در حدود اختیارات ولی فقیه ندارد.

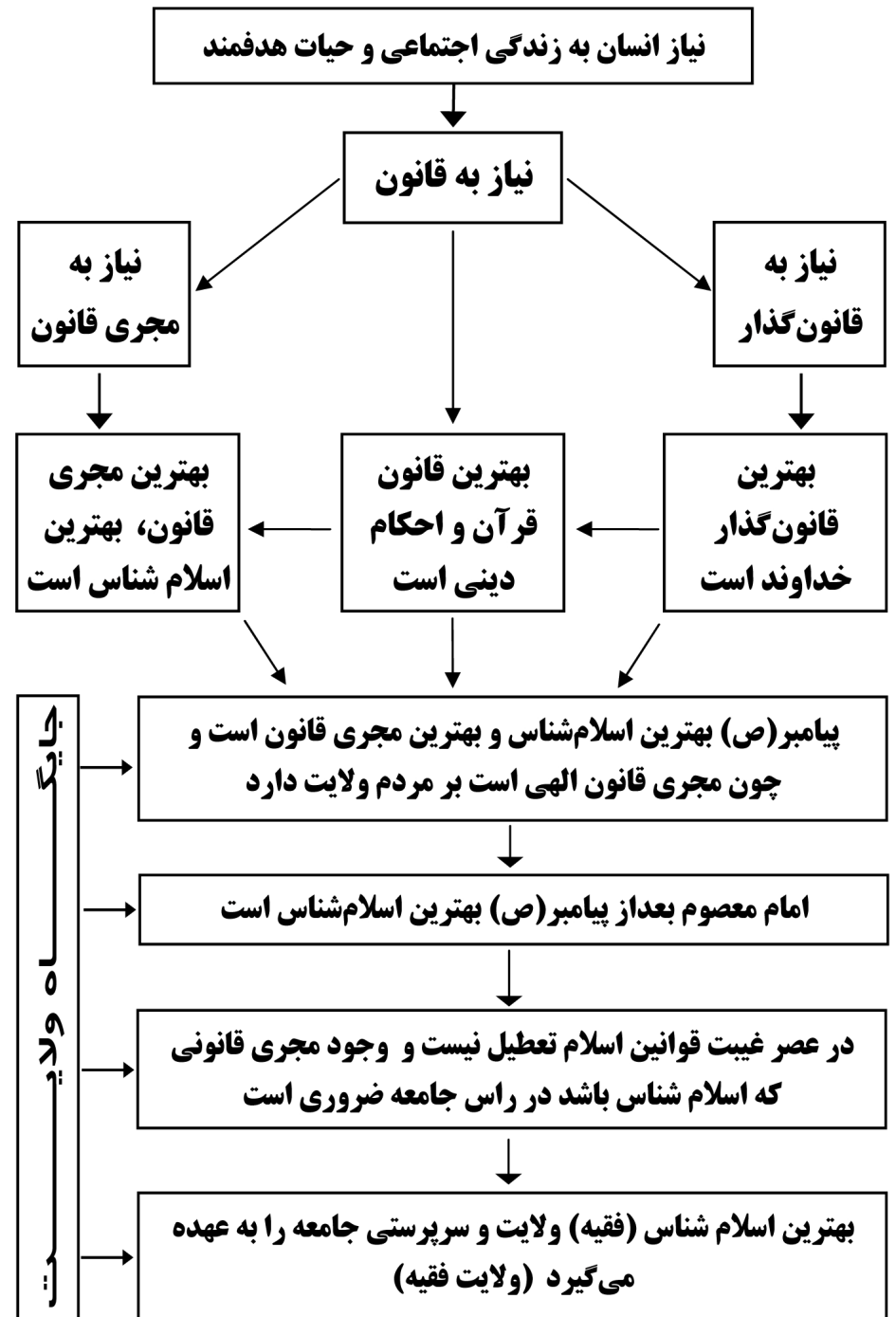
همانند دوران علی علیه‌السلام که ایشان مشروعیت ولایت خود را از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم کسب کردند و بعد از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به عنوان امام دارای ولایت بودند ولی چون مردم با ایشان بیعت نکردند آن حضرت تا ۲۵ سال خانه‌نشین شدند و نتوانستند اعمال ولایت نمایند ولی ولایت حضرت ساقط نگردید.

بر اساس آنچه از دلایل عقلی و نقلی ذکر شد مشخص می‌گردد که ولی فقیه از سوی امام معصوم منصوب گردیده است ولی برای اعمال ولایت نیاز به بیعت مردم دارد که این کار می‌تواند با بیعت مستقیم (مانند انتخابات) و یا برگزیدن منتخبینی توسط مردم برای این بیعت و انتخاب صورت گیرد. در هر حال حدود اختیارات ولی فقیه را امام معصوم مشخص نموده و در فقه شیعه آمده است و مردم یا منتخبین آنان نمی‌توانند در این حدود دخل و تصرفی نموده و آن را کم یا زیاد کنند.

به عبارت دیگر: ولی فقیه از سوی امام معصوم منصوب (به نصب عام) شده و مردم یا منتخبین آنان فقط او را کشف می‌نمایند.

### چگونگی تشخیص فقیه جامع‌الشرایط رهبری از میان فقها

در دورانی که هیچ فقیهی حکومت را در اختیار ندارد - اگر شرایط در اختیار گرفتن حکومت وجود داشته باشد - بر همه فقها واجب است تا در جهت تشکیل حکومت اسلامی اقدام



## ولایت فقیه در موارد زیر دارای اطلاق می‌باشد. (یعنی محدود نیست)

### الف - اطلاق زمانی:

بشریت هیچ زمانی از ولایت بی‌نیاز نخواهد بود و همواره احتیاج به رهبر فرزانه دارد که پیامبران و بعد از آنها امامان و در زمان غیبت فقها این ولایت را برعهده دارند.

### ب - اطلاق مکانی:

یعنی محدوده‌ی ولایت به هیچ مرز جغرافیایی مقید نمی‌گردد. اسلام به‌عنوان کامل‌ترین دین مدعی تکامل پیام هدایت برای تمامی مردم جهان بوده و همه را دعوت به هدایت می‌نماید و هر کس در سراسر عالم موظف است تا اوامر ولی فقیه را اطاعت کند.

### ج - اطلاق موضوعی:

ولایت فقیه بر تمامی موضوعات و ساختارهای جامعه اعم از سیاسی فرهنگی و اقتصادی جاری است و محدود به موضوعی خاص نمی‌باشد و ولی فقیه در مورد موضوعات مختلف حق دارد رای و نظر خود را بدهد و مردم جامعه باید از آن اطاعت کنند.

این بدان معنی نیست که ولی فقیه فوق هر قانونی است و می‌تواند خارج از حدود شرعی حکم بدهد بلکه دستورات و نظرات او بر اساس حدود و احکامی است که در کتاب الهی آمده و از جانب ائمه معصومین علیهم‌السلام تبیین گردیده است.

بنابراین «مطلقه بودن» حدود و ابعاد ولایت را مشخص می‌کند که در تمامی زمینه‌های ذکر شده به‌طور مطلق می‌تواند ولایت خود را اعمال نماید.

## روش تعیین حاکم اسلامی (ولی فقیه)

در این زمینه دو دیدگاه وجود دارد.

### الف - نظریه‌ی انتخاب:

در زمان غیبت امام علیه‌السلام از آن جهت که امامت و ولایت تعطیل نمی‌شود و برپایی دولت اسلامی در هر زمانی واجب است بر اساس روایات برپایی حکومت اسلامی وظیفه فقها می‌باشد بنابراین اگر چه تمامی فقها از جانب امام معصوم برای رهبری تعیین شده‌اند ولی امکان اعمال ولایت از سوی همه‌ی آنها نیست. پس در این هنگام بر مردم واجب است برای شناختن و شناساندن فقیه واجد شرایط رهبری تلاش کنند و با رای مستقیم یا توسط خبرگان وی را انتخاب کنند.

طرفداران این نظریه می‌گویند فقیه برای مشروعیت ولایتش بر مردم، علاوه بر داشتن صلاحیت‌های لازم (عدالت، فقاقت و...) باید «بیعت و میثاق مردمی» (مقبولیت مردمی) را هم داشته باشد تا ولی مردم گردد.

مهم‌ترین اشکالات نظریه انتخاب این است که اگر ولی فقیه را منتخب مردم بدانیم:

۱- مشروعیت خود را از رأی مردم اخذ می‌کند که توضیح داده شد که چنین نیست و ولی فقیه مشروعیتش از جانب امام معصوم است.

## ب) دلایل نقلی:

برای اثبات ولایت فقیه به احادیث فراوانی استناد شده که به دلیل هدف ما در ارائه بحثی بسیار موجز و خلاصه فقط به سه حدیث اشاره می‌کنیم:

۱- توقیع شریفی که مرحوم صدوق از اسحاق بن یعقوب نقل می‌کند که حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف در پاسخ به پرسش‌های او به خط مبارکشان نوشتند: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقَعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ - در رویدادهایی که اتفاق می‌افتد به روایان حدیث ما مراجعه کنید زیرا آنها حجت من بر شما و من حجت خدا بر آنان هستم.» (۱)

حضرت مهدی علیه‌السلام دو جمله «فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ» و «أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ» را به گونه‌ای فرموده‌اند که به وضوح می‌رساند حکم روایان حدیث که همان فقیهان هستند مانند حکم خود امام است. یعنی فقیهان نایب عام امام زمان علیه‌السلام در بین مردم هستند.

۲- حدیثی که از امام صادق علیه‌السلام نقل شده و به مقبوله‌ی عمر بن حنظله معروف است: «مَنْ كَانَ مِنْكُمْ مِمَّنْ قَدْ رَوَى حَدِيثَنَا وَنَظَرَ فِي حَلَالِنَا وَحَرَامِنَا وَعَرَفَ أَحْكَامَنَا فَلْيَرْضَوْا بِهِ حَكْمًا فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا فَإِذَا حَكَمَ بِحُكْمِنَا فَلَمْ يَقْبَلْهُ مِنْهُ فَإِنَّمَا اسْتَخَفَّ بِحُكْمِ اللَّهِ وَ عَلَيْنَا رَدٌّ وَالرَّادُّ عَلَيْنَا الرَّادُّ عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَى حَدِّ الشَّرْكِ بِاللَّهِ - هر کس از شما حدیث ما را نقل می‌کند و در حلال و حرام ما نظر دارد و احکام ما را می‌شناسد به حکومت او رضایت دهید همانا من او را حاکم شما قرار دادم پس وقتی او به حکم ما حکم کرد اگر قبول نشود، سبک شمردن حکم خدا و رد بر ماست و رد ما رد خداست و آن در حد شرک به خداست.» (۲)

فقیه در اصطلاح امروز همان شخصی است که در حدیث با تعبیر عارف به احکام معرفی شده است.

وقتی در زمان حضور معصوم علیه‌السلام و در صورت دسترسی نداشتن به معصوم، وظیفه‌ی مردم مراجعه به فقیهان جامع‌الشرایط است، در زمان غیبت که معصوم حضور ندارد به طریق اولی وظیفه‌ی مردم مراجعه به چنین فقیهانی می‌باشد.

۳- حدیثی که مرحوم صدوق از امیرالمومنین علی علیه‌السلام نقل می‌کند که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْ خُلَفَائِي - خدایا جانشینان مرا مورد رحمت خویش قرار ده

قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ خُلَفَاؤُكَ - سؤال شد جانشینان شما چه کسانی هستند؟

قَالَ الَّذِينَ يَأْتُونَ مِنْ بَعْدِي يَرُؤُونَ حَدِيثِي وَسُنَّتِي - حضرت فرمود: آنان که بعد از من

می‌آیند و حدیث و سنت مرا نقل می‌کنند.» (۳)

برای دلالت این حدیث برای ولایت فقیه باید به دو نکته توجه کرد:

الف) رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از سه شأن عمده برخوردار بودند:

۱- تبلیغ آیات الهی و رساندن احکام شرعی و راهنمایی مردم.

۲- قضاوت در موارد اختلاف و رفع خصومت.

۳- زمامداری جامعه اسلامی و تدبیر آن یعنی ولایت.

ب) منظور از کسانی که بعد از حضرت می آیند و حدیث و سنت او را نقل می کنند فقیهان هستند نه راویان و محدثان، زیرا راوی فقط نقل حدیث می کند و نمی داند آنچه نقل می کند حدیث و سنت خود حضرت است یا نه؟ و کسی این امور را می شناسد که به مقام اجتهاد و درجه فقاقت رسیده باشد.

با توجه به این دو نکته از حدیث استفاده می کنیم که فقیهان جانشینان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می باشند و شئونی که برای حضرت بود (تبلیغ دین، قضاوت، زمامداری و ولایت) برای جانشینان او نیز خواهد بود.

### شرایط ولی فقیه

#### ۱- علم (فقاقت در دین):

از آن جا که در حکومت دینی اداره جامعه بر اساس قوانین اسلامی است کسی که در راس قدرت قرار می گیرد باید آگاهی کافی به قوانین اسلامی داشته باشد تا در جریان اداره اجتماع از این قوانین سرپیچی نشود یعنی رهبر اسلامی باید به درجه اجتهاد رسیده و شناخت او نسبت به اسلام بر اساس استنباط از احکام الهی باشد و از دیگری تقلید نکند. زیرا اگر رهبر مقلد دیگری باشد اقتدار و نفوذ او شکسته خواهد شد. در این مورد علاوه بر آیات و روایات - که یک نمونه از هر کدام در زیر آمده است - عقل سلیم نیز حکم می کند که عالم بر جاهل مقدم است. (۷)

«قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» - بگو: آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند یکسانند؟! تنها خردمندان متذکر می شوند! (۸)

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این خصوص می فرمایند:

«أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ وَأَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ» - ای مردم، شایسته ترین مردم برای حکومت کسی است که از دیگران تواناتر و به دستور خدا در امر حکومت داناتر باشد. (۹)

#### ۲- عدالت و تقوی:

اگر حاکم و فقیه از تقوا و عدالت برخوردار نباشد قدرت او را تباه می کند و ممکن است منافع شخصی یا گروهی را بر منافع اجتماعی و ملی مقدم بدارد. برای ولی فقیه درستکاری و امانت و عدالت شرط است تا مردم با اطمینان و اعتماد زمام امور را به او بسپارند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید کسی که دارای برخی از صفات رذیله است جایز نیست که حاکم مسلمانان باشد. (۱۰)

امام حسین علیه السلام نیز درباره صفات حاکم مسلمین می فرماید:

«فَلَعَمْرِي مَا الْإِمَامُ إِلَّا الْحَاكِمُ بِالْكِتَابِ الْقَائِمُ بِالْقِسْطِ الدَّائِنُ بِدِينِ الْحَقِّ الْحَابِسُ نَفْسَهُ عَلَى ذَاتِ اللَّهِ» - به جان خودم سوگند پیشوای جامعه جز آن کس که مطابق با دستور کتاب خدا حکم کند و به قسط قیام کند (عدل و داد را در میان افراد رواج دهد) و خود هم به دین حق، متدین و پابند باشد و خود را مطیع و فرمان بردار خدا بداند، نیست. (۱۱)

#### ۳- آگاهی و اهتمام به مصالح اجتماعی: یعنی مدیر و مدبر باشد.

حدیثی که در بخش اول آمد به نوعی اشاره به این مطلب نیز دارد. و امام علی علیه السلام در حدیث دیگری در احتجاج به حقانیت خود بر امر خلافت فرموده است:

«وَأَعْلَمُكُمْ بِعَوَاقِبِ الْأُمُورِ وَأَذْرِبُكُمْ لِسَانًا وَأَثْبُتُكُمْ جَنَانًا» - آشناترین شما به عواقب امور و قاطع ترین شما در گفتار و قوی ترین شما در قلب و دل می باشم. (۱۲)

و کاملاً مشخص است که این صفات لازم برای رهبر جامعه است که امیرالمؤمنین آن ها را بیان فرموده است.

#### مطلقه بودن ولایت فقیه

برای مشخص شدن معنای «مطلقه» ذکر مقدماتی لازم است.

پيامبر و ائمه اطهار عليهم السلام دارای سه نوع ولایت می باشند:

الف - ولایت تکوینی:

یعنی قادر به ایجاد تغییرات در عالم مخلوقات و کائنات هستند و می توانند کارهایی فوق توان بشر انجام دهند.

ب - ولایت تشریحی:

یعنی اقدام به قانون گذاری می نمایند و بایدها و نبایدهای شرعی (احکام) را برای مردم بیان می کنند.

ج - ولایت اجتماعی:

به معنای سرپرستی و حکومت بر جامعه می باشد که از طریق تصمیم گیری های به موقع در حوادث مختلف اجتماعی جامعه را هدایت می کنند.

محدوده ولایت فقیه از نوع سوم یعنی ولایت اجتماعی است. به همین دلیل حضرت امام خمینی رحمت الله علیه می فرماید: «کلیه امور مربوط به حکومت و سیاست که برای پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه علیهم السلام مقرر شده در مورد فقیه عادل نیز مقرر است و عقلاً نیز نمی توان فرقی میان این دو قائل شد». (۱۳)

(جمله ای امور مربوط به حکومت و سیاست شاهد بحث ما می باشد.)

«مطلقه» به معنای فقدان قید و حدود می باشد که در برابر آن «مقیده» به معنای داشتن قید و بند و حدود قرار دارد.